

ارزیابی عوامل حس تعلق به مکان در بهبود کیفیت زندگی ساکنان خانه سالمندان*

عباس ذکری** - سمانه جمالزاده***

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۱/۲۶

چکیده

بدون شک افزایش جمعیت سالمندان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی در قرن بیست و یکم به‌شمار می‌رود و این چالش مهم مسئولان را بر آن می‌دارد که به کیفیت زندگی این افراد در خانه سالمندان که اغلب مورد غفلت واقع می‌شوند اهمیت بیشتری دهند. وقتی سکونت در سرای سالمندان ضرورت یابد، سالمند اغلب احساس طرد شدن و جدایی می‌کند. اگر سالمند احساس کند به خاطر ارزش کم و بهای اندک دور انداخته شده است، عکس‌العمل طبیعی فرد این است که دچار احساس منفی شود. این افراد اغلب احساس بی‌اهمیتی، بی‌علاقگی و بی‌مهری می‌نمایند. با توجه به تأثیر متقابل انسان، بر فضا و فضا بر انسان این مسأله پیش می‌آید که چگونه در خانه سالمندان می‌توان حس تعلق به مکان را افزایش داد که مزایای آن آرامش، احساس امنیت و برگشت احساسات نابود شده و تغییر تلقی فرد و جامعه از این مکان‌هاست. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که همبستگی عوامل شکل‌دهنده حس تعلق به مکان و کیفیت زندگی سالمندان مقیم خانه‌های سالمندی شیراز مدنظر است، بدین منظور عوامل شکل‌دهنده حس تعلق به مکان که شامل عوامل ادراکی-شناختی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی-کالبدی است در سه فرضیه مورد آزمون قرار گرفته است. حس تعلق به مکان که عامل مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط می‌باشد، نهایت منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت خواهد شد. ویژگی‌های کالبدی نظیر (فرم، رنگ، اندازه، شکل، مقیاس و بافت) و عوامل ادراکی-شناختی و همچنین فعالیت‌های اجتماعی نقش مهم و مؤثر در شکل‌گیری حس تعلق در خانه سالمندان دارند.

واژگان کلیدی: مکان، حس تعلق، سالمند.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «طراحی خانه سالمندان شیراز با رویکرد حس تعلق به مکان» با راهنمایی نویسنده اول در دانشکده هنر و معماری دانشگاه شهید باهنر کرمان می‌باشد.

** استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

*** کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

سالمندی به عنوان مرحله سوم عمر است که در دنیای معاصر همگام با پیشرفت‌های عظیم صنعتی، علم و فناوری، به عنوان جمعیت رو به رشد با نیازهای ویژه محسوب شده است. سالمندی فرآیندی عادی، طبیعی و در حال تغییر است که سبب بروز ناتوانایی‌ها و نیازهای خاص در سالمند می‌شود. این ناتوانایی‌ها می‌تواند به نگرش اعضای خانواده بر سالمندش تأثیر بگذارد و باعث شود وی را به خانه سالمندان بفرستند. ایجاد خانه برای سالمندان به معنای واقعی کلمه نه تنها به معنای سایبان و پناهگاه بلکه ایجاد محیط اجتماعی پرشور در گروهی طراحی محیطی با شناخت نیازها و خواسته‌های آن‌ها است که به فعال ماندن این قشر یاری می‌رساند.

به عقیده نوربرگ شولتز^۱ (۱۹۹۷) کارکرد اصلی هنر معماری حاضر کردن مکان است. پدیدار آمدن مکان با ساختن تحقق می‌یابد. به نظر او هویت مکان موجب هویت انسان می‌شود. بدین صورت اگر انسان در مکانی قرار گیرد که هیچ نوع سختی با وجودش نداشته باشد، از درون تهی می‌شود و هویت خود را نیز از دست می‌دهد. بنابراین از دیدگاه پدیدارشناسانه، مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است؛ مکان کلیتی است که از اشیا و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، جنس، شکل و رنگ است. مجموعه این عناصر با هم کاراکتر محیطی را تعریف می‌کنند. برای مداخله انسان در محیط، انسان باید کاراکتر اصلی مکان را بشناسد و محیط‌هایی ایجاد کند که در جهت هماهنگی با آن کاراکتر باشد. در بررسی رابطه انسان و محیط، شناخت عناصر کالبدی، ویژگی‌های محسوس محیط و معانی و پیام‌های برخاسته از آن حائز اهمیت است. حس مکان از جمله مفاهیمی است که شناخت بیشتر آن می‌تواند به محققان و برنامه‌ریزان در زمینه‌های گوناگون یاری رسانده و در نهایت منجر به توسعه محیط شود. حس مکان، به معنای دریافت ویژگی‌های معنایی محیط و شخصیت مکان توسط استفاده‌کنندگان از محیط می‌باشد. حسی که توسط ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات آگاهانه یا ناآگاهانه آن‌ها از محیط دریافت شده و استفاده‌کننده را در ارتباطی تنگاتنگ با محیط قرار می‌دهد. حس مکان موجب ایجاد حس رضایت‌مندی در استفاده‌کننده شده و با یادآوری فرهنگ یا تاریخ یک اجتماع و یا تجارب ذهنی گذشته فرد به مفهوم هویت تأکید کرده و کیفیت فضای ساخته شده را برای مخاطب ارتقاء می‌بخشد. ویژگی‌های کالبدی محیط که شامل تعاملات اجتماعی و همچنین معانی هویتی و ذهنیت می‌باشد بر القا حس مکان تأثیرگذار می‌باشد (Razavian et al., 2014, p. 10).

به طور کلی دلبستگی به یک موضوع مثل مکان، مبتنی بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد می‌باشد. چرا که افراد بر این اساس طرح رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی از خود، ساخته و تمام تجارب و رویارویی‌های تازه خود با موضوعی نو برپایه این طرح، ادراک ساماندهی و طبقه‌بندی نموده و به خاطر می‌سپارند. علاوه بر این طرح از خود، محرک انگیزه‌های رفتاری فرد نیز می‌باشد. بنابراین در همان هنگام که خود ساخته می‌شود، نیازها و توقعات فرد نیز بنا شده و هنگامی که شیء یا موضوعی این نیازها را برآورده می‌کند، فرد احساس آسایش و امنیت نموده و برآوردن نیازهایش به صورت ذهنی و عینی ادامه پیدا می‌کند. به این ترتیب فرد به آن مکان یا موضوع جذب شده و بر این اساس با بیان عواطف خود، از این جذب توجه و مراقبت می‌کند. نتیجه آن یعنی دلبستگی، اشتیاق به زندگی با دیگران و رفتار هدفمند را پایدار نگه می‌دارد (Marris, 1996, p. 5). با مشخص شدن ضرورت توجه به سالمندان و نیازهای آن‌ها و همچنین بی‌میلی سالمندان به خانه سالمندان، همچنین با توجه به تأثیر حس تعلق به مکان بر رضایت‌مندی از مکان در این پژوهش سعی در بررسی تأثیر حس تعلق به مکان بر رضایت‌مندی سالمندان از سرای سالمندان است.

۱. مبانی نظری

۱-۱- مکان

مکان، صیغه اسم ظرف است؛ مشتق از کَوْن به معنای «بودن» و به معنای مطلق «جا» و بودن خود به معنای «وجود هستی» و «هستی داشتن» است. همچنین گذراندن عمر و «زندگی کردن» نیز معنی می‌دهد (Dehkhoda, 1994, p. 5063). مکان در فرهنگ آکسفورد^۲ (2003, p. 960) «یک موقعیت، نقطه یا ناحیه‌ای خاص» معنا شده است. در فرهنگ لانگمن^۳ (2001, p. 107) مکان «هر ناحیه، نقطه، موقعیت یا وضعیت در فضا و یک نقطه به خصوص در ناحیه گسترده‌تر است». پس می‌توان گفت منظور جا یا قسمتی از فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند تعریف می‌شود. علی مدنی‌پور (2001, p. 32) مکان را بخشی از فضا و دارای بار «ارزشی و معنایی» می‌داند و افشار نادری (1999, p. 4) آن را نتیجه برهمکنش سه مؤلفه «۱- رفتار انسانی ۲- مفاهیم ۳- ویژگی‌های فیزیکی» تصور می‌کند. مارتین هایدگر^۴ (۱۹۵۸) اظهار می‌دارد که «مکان، انسان را در مسیری قرار می‌دهد که رابطه و پیوستگی‌های خارجی وجود او و در عین حال عمق و ژرفای آزادی و اصالت وجودی او را بر وی آشکار می‌کند». ادوارد رلف^۵ (۱۹۷۶) بیان می‌کند اصطلاح مکان در مقابل فضا مستلزم یک رابطه عاطفی قوی موقتی یا طولانی بین یک شخص و یک مکان فیزیکی خاص است و بذل توجه بیشتری به محیط فیزیکی دارد.

۲-۱- حس مکان

محیط با ایجاد پیام‌ها و معانی می‌تواند وقوع برخی رفتارها را آسان کند یا مانع بروز برخی دیگر از رفتارها باشد. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید و به صورت دقیق هم نمی‌توان آن را تعریف کرد، حس مکان یا حس نسبت به مکان نامیده می‌شود (Sajjadzadeh et al., 2013, p. 3). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساس کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط خود قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای اهداف می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود (Falahat, 2006, p. 1).

۳-۱- حس تعلق به مکان

در واژه‌شناسی لغت‌نامه دهخدا تعلق خاطر را علاقه داشتن، عشق به چیزی داشتن و میل به کسی داشتن معنی می‌کند و از نظر ابن‌خلدون تعلق خاطر داشتن را معادل تعصب تعریف می‌کند. تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود (Sajjadzadeh et al., 2013, p. 3). حس تعلق به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش مهمی ایفا می‌کند به گونه‌ای که به پیوند فرد با بافت منجر می‌شود؛ در این صورت انسان خود را جزئی از بافت می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای بافت در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد بوده و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. این حس از دو عامل فضا و انسان ساخته شده و تغییرات هر کدام در میزان تعلق مؤثر است (Pakzad, 1996, p. 45). حس تعلق به مکان که عامل مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط می‌باشد، نهایت منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت خواهد شد. ویژگی‌های کالبدی نظیر (فرم، رنگ، اندازه، شکل، مقیاس، بافت) و روابط اجزا کالبدی با تأمین و تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی محیط، نقش مهم و مؤثر در شکل‌گیری حس تعلق دارد. شولتز داشتن حس تعلق به مکان و مشارکت در آن را وابسته به این می‌داند که چه اندازه میان تصور ذهنی فرد از مکان که بر پایه بر همکنش او با محیطش شکل می‌گیرد و آنچه که ذهنیت مشترک شهروندان از شهرستان را می‌سازد، نزدیکی وجود دارد. بر این پایه، هرچه این دو ذهنیت همانندی بیشتری به هم داشته باشند، فرد با محیط خود احساس «این همانی» بیشتری خواهد داشت (Pakzad, 2007, p. 106).

میزان رسوخ مکان به درون آدمی موجب افزایش تعلق خاطر به مکان می‌شود و این ممکن نمی‌شود مگر این که خاطره‌ای از مکان در ذهن داشته باشیم. خاطره مستلزم «خو گرفتن و جهت‌گیری» نسبت به مکان است. اگر مکانی در ذهن خاطره شده باشد، نظام فضایی منسجمی شامل مسیرها و مقصدها و نقاط یادمانی در ذهن شکل می‌گیرد و به راحتی به یاد آورده می‌شود. در چنین فضایی بیگانگی و سردرگمی برای انسان وجود ندارد، خاطره موجب «یگانه‌پنداری با محیط» نیز می‌شود. لحظه‌های گوناگون کاربرد مکان بر چگونگی رویداد زیستن دلالت دارند و خاطره، نزدیکی و یگانه‌پنداری را نشان می‌دهد. درک و دریافت مکان شرط لازم برای رویداد زیستن یا در جهان بودن است. اگر جهت‌گیری در میان نباشد نه سفری هست نه به مقصد رسیدنی و اگر شخص خود را با روح مکان یگانه نپندارد، هرگز مکان را نمی‌پذیرد و نمی‌تواند آن را به نزدیک خویش آورد [رفع دوری]. زمانی حضور در مکان میسر است که انسان بتواند خاطره، جهت‌گیری و یگانه‌پنداری با آن داشته باشد. اینگونه می‌شود در مکان بود (Schulz, 1979, p. 48).

۴-۱- عوامل شکل دهنده حس تعلق

۱-۴-۱- عوامل ادراکی - شناختی

همان طور که اشاره شد حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که به طور عمده بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد. شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد، بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جز محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودن حریم‌ها، حدود مالکیت و همسایگی‌ها از مهم‌ترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط می‌باشد که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه از محیط می‌پردازد (Matlabi, 2007, p. 52).

۱-۴-۲- عوامل اجتماعی

آنچه محیط را به عنوان بستر تعامل اجتماعی بیان می‌کند، در اصل نمادها و سنبل‌های محیطی مشترک اجتماعی از یک سو و قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی از سوی دیگر می‌باشد. در این مرتبه انسان‌ها به صورت جمعی عناصر کالبدی محیط را رمزگشایی می‌کنند. در واقع لایه‌های اجتماعی محیط نقش ارتباطی با استفاده‌کنندگان ایفا می‌نمایند که هر یک براساس داده‌های فرهنگی در طول تاریخ معماری محیطی به دست آمده است و حاوی معنای خاص خود می‌باشند (Froozandeh & Matlabi, 2011, p. 79).

۱-۴-۳- عوامل محیطی - کالبدی

کالبد به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزا، به عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌شود. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی‌های فرم هر یک نقش مؤثر در شکل‌گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزا کالبدی نیز عامل مؤثر دیگر می‌باشد. از سویی دیگر عناصر کالبدی از طریق همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق مؤثر می‌باشند (Matlabi, 2007, p. 67).

۱-۵- سالمندی

انتقال از دوره‌ای به دوره دیگر در بعضی اشخاص به تدریج و درمورد بعضی دیگر به سرعت و همراه با صدمات روحی به وقوع می‌پیوندد. اگرچه استانداردهای جهانی برای تعیین حدود سن سالمندی توسط سازمان جهانی بهداشت وضع شده، در جامعه ما سن ۶۵ تا ۷۹ سال آغاز پیری را مشخص می‌کند (Pakdaman, 2010, p. 15). روانشناسان از این دوره به عنوان مرحله سوم عمر یاد کرده‌اند که همه افراد جامعه انسانی به مرور آن را تجربه خواهند کرد (Mehdizadgan & bagherpoor, 2002, p. 7). بالا رفتن سن بیماری نیست، بلکه یک پدیده حیاتی است که در آن تغییرات فیزیولوژیکی و روانی در بدن رخ می‌دهد. اگرچه پیری یک عارضه پاتولوژیک نیست، ولی فعالیت جسمی و ذهنی را محدود کرده و بر فعالیت‌های جسمانی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، فرد تأثیر می‌گذارد (Alikhani, 2013, p. 1). تمام کشورهای جهان دارای جوامع سالمندی هستند، اگرچه از نظر متوسط سن، طول عمر متفاوتی دارند. حتی در کشورهای در حال رشد نیز که متوسط امید به زندگی پایین است، بدون در نظر گرفتن مواردی چون قحطی، شیوع کنترل‌نشده ایدز و سایر رویدادهای ناگوار، تعداد افراد بالای ۶۵ سال به شکل غیرمترقبه‌ای در حال افزایش است (Sharifi, 2003, p. 7).

سالمندی فرآیندی عادی، طبیعی و در حال تغییر است که سبب بروز رفتارهای خاص در سالمند می‌شود. این رفتارها می‌تواند بر نگرش اعضای خانواده سالمند تأثیر بگذارد و باعث شود وی را به آسایشگاه سالمندان بفرستند (Yazdkhas -ti, 2009, p. 1). درک این که چرا چنین مکانی اغلب به وسیله سالمندان به عنوان «آخرین نشانه شکست» در نظر گرفته می‌شود، اهمیت دارد. زیرا این نوع نگرش اثر منفی بر سازگاری مقیمان سالمند در هنگام مواجهه با این چالش می‌گذارد. سکونت در مؤسسات، با احساس جدایی بیشتری همراه است. وقتی سکونت در سرای سالمندان ضرورت پیدا کند، سالمند اغلب احساس طرد شدن و جدایی می‌کند. اگر سالمند احساس کند به خاطر ارزش کم و بهای اندک دور انداخته شده است، عکس‌العمل طبیعی است که دچار احساس منفی شود. این افراد اغلب احساس بی‌اهمیتی، بی‌علاقگی و بی‌مهری می‌کنند (Salarvand et al., 2007, p. 2).

۲. روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر با توجه به هدف و ماهیت آن از انواع طرح‌های همبستگی می‌باشد. جامعه آماری کلیه سالمندان زن و مرد ساکن در آسایشگاه‌های سالمندان شهر شیراز بودند که شامل ۳۵۰ سالمند در پنج آسایشگاه سالمندی است. در این روش تعداد حجم نمونه مورد نیاز ۱۸۴ واحد به طریق فرمول کوکران به دست آمد. اما در ادامه پژوهش و بررسی دقیق‌تر جامعه آماری با مداخله‌گرهایی از جمله آلزایمر، ناتوانی ذهنی، ناشنوایی درعین نداشتن سواد خواندن مواجه شده که محقق را به حضور در جامعه آماری و شناسایی سالمندان هوشیار مجبور ساخت که در نهایت ۴۱ نفر از سالمندان مقیم در پنج خانه سالمندی شیراز توانستن در ادامه پژوهش همکاری کنند. سپس با مراجعه به خانه سالمندان از طریق مصاحبه با واحدهای مورد پژوهش، فرم پرسشنامه تکمیل شد.

فرم پرسش‌نامه براساس مقیاس پنج تایی طیف لیکرت با ۱۷ سؤال طراحی شد که دربرگیرنده عناصر سازنده ویژگی‌های کالبدی، شناختی و اجتماعی است که می‌تواند بر حس تعلق به مکان تأثیرگذار باشد. طراحی پرسش‌نامه براساس جدول ۱ انجام شد به این ترتیب که از عوامل شکل‌دهنده حس تعلق به سازه^۷ و از سازه به مصداق‌ها رسیدیم و سؤالاتی درخصوص این مصداق پس از تعیین روایی و پایایی پرسش‌نامه در اختیار سالمندان قرار گرفت (روایی: ۰.۸۱۵، پایایی: ۰.۸۲).

جدول ۱: عوامل حس تعلق به مکان

مصادق	سازه	عامل
تمایز کالبدی خوانایی حدود مالکیت	خاطرائگیزی و حس بازشناسی تجارب گذشته و هویت	ادراکی- شناختی
شکل اندازه رنگ بافت جنس و مصالح چیدمان فضا ارتباط درون و بیرون فضا	سازماندهی اجزا ویژگی‌های محسوس محیط	محیطی- کالبدی
فضاهای تجمع و گفتگو فضاهای تجمع و گفتگو فضاهای ورزشی فضای تماشای تلویزیون واحد همسایگی	تعاملات اجتماعی فعالیت‌های اجتماعی	عوامل اجتماعی

۳. یافته‌ها

سؤالاتی در خصوص همبستگی مصادیق هر یک از عوامل شکل‌دهنده حس تعلق که از جدول ۱ استخراج شد و کیفیت زندگی در سرای سالمندان در اختیار سالمندان قرار داده شد که یافته‌ها به شرح زیر است:

۳-۱- عوامل ادراکی - شناختی

برای آزمون فرضیه اول از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر استفاده شد. در این آزمون مقدار مشاهده شده با مقدار مورد انتظار مقایسه شده و بر اساس آن آماره کای اسکوئر تبیین می‌شود، سپس معنی‌داری مقدار آماره تعیین می‌شود. بر این اساس، در پرسش‌نامه شش سؤال مربوط به فرضیه اول بود که از ۴۱ نفر پرسیده شد و جواب‌ها تنها دارای ۳ گزینه بودند. از آنجایی که از مقدار مد این شش سؤال برای آزمون کای اسکوئر^۱ استفاده شد، بنابراین مقدار مورد انتظار برای هر گزینه برابر با ۱۳.۷ می‌باشد ($13.7 = 41/3$).

جدول ۲: مقادیر مشاهده شده و انتظاری گزینه‌ها برای فرضیه اول

باقیمانده	تعداد انتظاری	تعداد مشاهده شده
-۰.۷	۱۳.۷	۱۳
۳.۷	۱۳.۷	۲۱
-۶.۷	۱۳.۷	۷
		مجموع ۴۱

جدول ۳: آماره کای اسکوئر برای فرضیه اول

آماره کای- اسکوئر	۷.۲۲۰
درجه آزادی	۲
معنی داری مقارن	۰.۰۲۷

براساس نتایج جدول ۳، آماره کای اسکوئر برای فرضیه اول ۷.۲۲۰ به دست آمد که در سطح ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. همچنین با توجه به جدول ۲ مشخص است که ۳۴ نفر از ۴۱ نفر با سؤال‌های مربوط به فرضیه اول تحقیق موافق و کاملاً موافق بودند. بنابراین می‌توان فرضیه اول تحقیق را پذیرفت. به عبارتی توجه به تجارب گذشته (عوامل ادراکی و شناختی) در طراحی خانه سالمندان می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی ساکنین خانه سالمندان کمک کند.

۳-۲- عوامل اجتماعی

برای آزمون فرضیه دوم به طریق فرضیه پیشین اقدام شد. بر این اساس، در پرسشنامه پنج سؤال مربوط به فرضیه دوم بود که از ۴۱ نفر پرسیده شد و جوابها تنها دارای ۳ گزینه بودند، از آنجایی که از مقدار مد این پنج سؤال برای آزمون کای اسکوتر استفاده شد، بنابراین مقدار مورد انتظار برای هر گزینه برابر با $13.7 = (41+1)/3$ می باشد.

جدول ۴: مقادیر مشاهده شده و انتظاری گزینه‌ها برای فرضیه دوم

باقیمانده	تعداد انتظاری	تعداد مشاهده شده	
۴.۳	۱۳.۷	۱۸	کاملاً موافق
۷.۳	۱۳.۷	۲۱	موافق
-۱۱.۷	۱۳.۷	۲	مخالف
		۴۱	مجموع

جدول ۵: آماره کای اسکوتر برای فرضیه دوم

۱۵.۲۶۸	آماره کای- اسکوتر
۲	درجه آزادی
۰	معنی داری متقارن

بر اساس نتایج جدول ۵، آماره کای اسکوتر برای فرضیه دوم ۱۵.۲۶۸ به دست آمد که در سطح ۱۰۰ درصد از لحاظ آماری معنی دار می باشد. همچنین با توجه به جدول ۴ مشخص است که ۳۹ نفر از ۴۱ نفر با سؤالهای مربوط به فرضیه دوم تحقیق موافق و کاملاً موافق بودند بنابراین عوامل اجتماعی می تواند به ارتقاء کیفیت زندگی در خانه سالمندان کمک کند.

۳-۳- عوامل محیطی - کالبدی

برای آزمون فرضیه سوم نیز به طریق فوق اقدام شد به این ترتیب که در پرسشنامه پنج سؤال مربوط به فرضیه سوم بود که از ۴۱ نفر پرسیده شد و جوابها تنها دارای ۴ گزینه بودند، از آنجایی که از مقدار مد این هفت سؤال برای آزمون کای اسکوتر استفاده شد، بنابراین مقدار مورد انتظار برای هر گزینه برابر با $10.2 = (41+1)/4$ می باشد.

جدول ۶: مقادیر مشاهده شده و انتظاری گزینه‌ها برای فرضیه سوم

باقیمانده	تعداد انتظاری	تعداد مشاهده شده	
۰.۸	۱۰.۲	۱۱	کاملاً موافق
۶.۸	۱۰.۲	۱۷	موافق
-۵.۲	۱۰.۲	۵	بی تفاوت
-۲.۲	۱۰.۲	۸	مخالف
		۴۱	مجموع

جدول ۷: آماره کای اسکوتر برای فرضیه سوم

۷.۶۸۳	آماره کای- اسکوتر
۳	درجه آزادی
۰.۰۵	معنی داری متقارن

بر اساس نتایج جدول ۷، آماره کای اسکوتر برای فرضیه سوم ۷.۶۸۳ به دست آمد که در سطح ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنی دار می باشد. بنابراین بین گزینه‌ها از لحاظ آماری اختلاف معنی دار وجود دارد. همچنین با توجه به جدول ۶ مشخص است که ۲۸ نفر از ۴۱ نفر با سؤالهای مربوط به فرضیه سوم تحقیق موافق و کاملاً موافق بودند بنابراین عوامل محیطی- کالبدی تأثیر به سزایی در ارتقاء کیفیت زندگی در خانه سالمندان دارد.

۴. نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با توجه به عوامل تشکیل‌دهنده حس تعلق در طراحی خانه سالمندان می‌توان به تغییر نگرش و ذهنیت سالمندان در این اماکن کمک کرد، که مزایای آن آرامش، احساس امنیت و برگشت احساسات نبود شده و صدمه‌دیده در آن‌ها و تغییر تلقی فرد و جامعه از این مکان‌ها است؛ لذا سعی می‌شود ارتباط انسان در برهه‌ای از زندگی خود (سالمند) با محلی که در آن قرار گرفته (خانه سالمندان) در راستای شناخت رابطه معماری با روان فرد و حد تأثیر آن بر فرد بررسی شود. ایجاد فضای آرام و دور از تنش و التهابات روانی و متأثر از وابستگی‌های شخصیتی، سالمندان را به ادامه زندگی تشویق نموده و از آنان عناصر زنده و پویا و خودجوش می‌سازد و سبب می‌شود این قشر به نیشان و فراموشی سپرده شده جامعه نقش خود را بازیابند، پس می‌توان نتیجه گرفت فضا و معماری نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌کند.

در یافته‌های پژوهش حاضر عوامل ادراکی- شناختی با آماره کای اسکوتر ۷.۲۲۰ نشان می‌دهد که می‌تواند تا حدودی موجب احساس رضایت از خانه سالمندان را فراهم سازد، این عوامل باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. همچنین عوامل اجتماعی با بالاترین سطح معنی‌داری بیشترین تأثیر در ایجاد حس تعلق به مکان دارد و سالمندان در آزمون این فرضیه با آماره کای اسکوتر ۱۵.۲۶ عکس‌العمل بسیار مناسبی به عوامل اجتماعی در خانه سالمندان نشان دادند. حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است، عوامل محیطی- کالبدی با آمار کای اسکوتر ۷.۶۸۳ نشان‌دهنده تأیید این عوامل توسط سالمندان است.

در این پژوهش از عوامل شکل‌دهنده حس تعلق به مصادیقی رسیدیم (جدول ۱) که امکان استفاده مستقیم این مصادیق در طراحی معماری به‌منظور ارتقاء حس تعلق به مکان وجود دارد. حس تعلق مکان به پیوند فرد با بافت منجر می‌شود و فرد براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای بافت در ذهن خود متصور می‌سازد، این نقش نزد او منحصر به فرد بوده و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. در این حالت است که می‌توان به فضا کیفیت بخشید. به این ترتیب با بالا بردن حس تعلق به مکان در خانه سالمندان می‌توان سازگاری سالمندان با این اماکن را افزایش داد و به ارتقاء کیفیت زندگی آنان کمک کرد که لازمه آن طراحی براساس نیازها و خواسته‌های سالمندان و توجه به تجارب گذشته آنان است.

پی‌نوشت

1. Christian Norberg-schulz
2. Self
3. Oxford. 2003, p. 960
4. Loneman. 2001, p.107
5. Martin Heidegger
6. Edward Relph

۷. سازه: (Construct) عوامل در این تحقیق مفاهیمی هستند که مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است و برای عملیاتی کردن عوامل (مفاهیم) در طرح معماری نیازمند حرکت از مفهوم به سمت مصداق می‌باشیم، مسلماً از مفهوم تا مصداق شکاف یا خلأیی وجود دارد. لذا محقق نیازمند ابزار و وسیله‌ای خاص است تا بتواند به سر منزل مقصود برسد این ابزار یا وسیله چیزی جز سازه نیست چنانچه مفهوم یعنی چیزی که فهمیده شود، سازه یعنی چیزی که لفظ بر آن واقع شود به عبارت دیگر لفظ یا نامی بر آن اطلاق شود. در واقع سازه انتخاب لفظ و نامی خاص برای یک مفهوم است (khaki, 2009, p. 88).

8. Chi-square



References

- Afsharnaderi, K. (1999). From Use to Place. *Architect Magazine*, 6, 4.
- Alikhani, N. (2013). *The Effect of Space and Modern Architecture to Improve the Quality of Life for the Elderly*. The First National Conference on New Ideas and Technologies in Iranian Architecture, Tabriz.
- Dehkhoda, A. (1994). *Dictionary of Persian*. Tehran University Publication, 13.
- Falahat, M. (2006). The Concept of a Sense of Place and its Components. *Publication of Fine Arts*, 26, 57-66.
- Forozandeh, A., & Matlabi, Gh. (2011). Concept to Sense of Place. *Publication of Identity City*. 5(8), 79.
- Heidegger, M. (1958). *The Question of Being*. (W. Kluback., J.T.Wild., & T. Wane, Trans.). New York
- Khaki, GH. (2009). *Research Methodology*. Tehran: Baztab Publishing, 88.
- Madanipoor, A. (2001). *A View on the Process of Social and Spatial Urban Design*. (F. Mortezaei, Trans.). Planning and Processing Company.
- Marris, P. (1996). *The Politics of Uncertainty: Attachment in Private and Public Life*. New York: Routledge.
- Matlabi, Gh. (2007). Recognition of the Form and Function in Architecture. *Publication of Fine Arts*, 52-67
- Mehdizadegan, I., & Bagherpoor, R. (2002). *Abuse and Neglect of the Elderly*. Esfahan: Pezhder. 7.
- Norberg-schulz, Ch. (1979). *Genius Loci towards a Phenomenology of Architecture*. (M.R. Shirazi, Trans.). Rokhdad no Publications.
- Norberg-schulz, Ch. (1997). *The Phenomenon of Place*. Princeton Architectural Press. New York.
- Pakdamam, Sh. (2010). The Effect of Music Therapy, Reminiscence and Arbitrary Actions on Reducing Loneliness of the Elderly. *Applied Psychology Quarterly*, 3(15), 15.
- Pakzad, J. (1996). Identity and Identification with Space. *Soffeh Magazine*, 21&22,45.
- Pakzad, J. (2007). *Articles on Architecture and Urban Design Concepts*. Tehran: Shahid Beheshti Publications.
- Razaviyan, M., Shamspooya, M., & Molatabarallahi, A. (2014). *The Quality of the Physical Environment and Sense of Place: Case Study: Students of Shahid Beheshti University of Tehran*. Geography and Urban Experiment, Regional. 10.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. Pion. London, Armanshahr Publications, (M.R. Mohammadi, Trans.). First Edition.
- Sajjadzadeh, H., Heydari far, R., & Zandhamidi, F. (2013). *The Impact on the Sustainability of Urban Sense of Place*. International Conference on Civil Engineering Architecture & Urban Sustainable Development. Tabriz. Iran, 3-5.
- Salarvand, Sh., Hoseini, H., Salehi, Sh., & Keyvanara, M. (2007). Elderly Mental Experiences in Settlement Process in Nursing Homes. *Iran Journal of Nursing*, 2(49), 61-71.
- Sharifi, F. (2003). *Elderly, The Sparkling Family Groups*. Kayhan Newspaper. 17(17704), 7.
- Yazdkhasti, F. (2009). Depression and Cognitive Disorders and their Relationship with Each other. *New Cognitive Science*, 4, 12-17.